

اخبار
اسماعیل بقائی:
عراقچی با لاوروف دیدار می کند

سختگوی دستگاه دیپلماسی اعلام کرد وزیر امورخارجه ایران در حاشیه نشست سازمان همکاری شانگهای با همتای روس خود دیدار خواهد کرد. به گزارش ایسنا، «اسماعیل بقائی» سخنگوی وزارت امور خارجه ایران امروز (دوشنبه) گفت که «سیدعباس عراقچی» وزیر امور خارجه ایران قصد دارد در حاشیه نشست شورای وزیران امور خارجه سازمان همکاری شانگهای (SCO) که ۲۴ تیرماه (۱۵ ژوئیه) در چین برگزار می شود با «سرگئی لاوروف» وزیر امور خارجه روسیه دیدار کند. او که با خبرگزاری ریائووستی گفت‌وگو می کرد، اظهار داشت که دو طرف در این دیدار درباره مسائل هسته‌ای و تحولات غرب آسیا رایزنی خواهند کرد. به چین، جایی که نشست شورای وزیران امور خارجه سازمان همکاری شانگهای فردا [سه‌شنبه] برگزار می شود و لاوروف نیز در آن شرکت خواهد کرد، دیداری بین دو وزیر انجام خواهد شد. وی گفت: ادامه رایزنی‌ها در مورد روابط دوجانبه و همچنین آخرین تحولات منطقه، از جمله موضوع هسته‌ای ایران در دستور کار قرار دارد. وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران صبح امروز در راس هیئتی تهران را به مقصد چین ترک کرد. بقائی پیشتر گفت که وزیر امور خارجه ایران به دعوت «وانگنی» وزیر امور خارجه چین در اجلاس وزرای سازمان همکاری شانگهای در چین حضور می‌یابد و با وزیر امور خارجه چین و تعداد دیگری از وزرای امور خارجه شرکت‌کننده در این اجلاس گفت‌وگو و تبادل نظر خواهد داشت.
روسیه:
تجاوز اخیر به ایران، تنها اهمیت نمادین برجام را بیشتر نشان داد
معاون نماینده دائم روسیه در سازمان‌های بین‌المللی در وین بیان کرد که تجاوز اخیر رژیم صهیونیستی و آمریکا علیه ایران تنها اهمیت نمادین برجام به‌عنوان دستاورد مذاکراتی فشرده و چندلایه را بیشتر نشان داده است. به گزارش ایسنا، «رومن اوستینوف» معاون نماینده دائم روسیه در سازمان‌های بین‌المللی در وین روز دوشنبه در اظهاراتی گفت: «برجام همچنان نمونه‌ای برجسته از آن چیزی است که دیپلماسی می‌تواند در صورت وجود اراده سیاسی واقعی محقق کند. رویدادهای اخیر طی یک ماه گذشته، که با تجاوز تحریک‌ناپذیر اسرائیل و آمریکا علیه ایران و تاسیسات هسته‌ای آن که تحت پادمان‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار داشتند همراه بود، تنها اهمیت نمادین برجام به‌عنوان دستاورد مذاکراتی فشرده، چندلایه، دقیق و طولانی را بیشتر نشان داده‌اند.» وی ادامه داد: «ترکیبی از راه‌حل‌های سیاسی، مفهومی و فنی منحصربفرد، این توافق را ممکن ساخت؛ توافقی که گرچه ممکن است برای درک سطحی پیچیده به نظر برسد اما در عمل اجرایی بوده و منافع همه طرفین مشارکت‌کننده را مدنظر قرار داده بود. این توافق نه‌تنها پیش از خروج یک‌جانبه و غیرقانونی آمریکا از آن، بلکه تا حدودی حتی پس از آن نیز اثربخشی خود را نشان داد. همچنین باید توجه داشت که توافقاتی که اساس بر پایه اصل خویشتنداری داوطلبانه دولت‌ها بنا شده‌اند - مانند برجام در خصوص برنامه هسته‌ای ایران - همواره از سخت‌ترین نوع توافقات برای مذاکره و حصول نتیجه هستند.» اوستینوف عنوان کرد: «برجام، هم محصول و هم قربانی زمانه خود بود. از یک‌سو، این توافق تا حد زیادی به‌واسطه تحول در نظم جهانی ممکن شد؛ نظمی که در آن، جهان تک‌قطبی به‌طور طبیعی جای خود را به پیچربندی جدیدی از روابط بین‌الملل می‌داد اما از سوی دیگر، برجام در زمینه پارادایم‌های قدیم و نوظهور گیر افتاد؛ در حالی که کسانی که خواهان حفظ سلطه کامل بودند، هیچ اهمیتی برای دیپلماسی، پایبندی ترتیبات بین‌المللی، برنامه‌ریزی بلندمدت یا ترتیبات پیچیده قائل نبودند.» معاون نماینده دائم روسیه در سازمان‌های بین‌المللی در وین در انتهای صحبت‌های خود گفت: «امید می‌رود این کشورها به‌زودی به مرحله‌ای از پذیرش واقعیت‌های نوین تعاملات بین‌دولتی برسند و بار دیگر دیپلماسی به‌عنوان ابزار اصلی و کارآمد برای حل‌وفصل مسائل پیچیده مورد استفاده قرار گیرد.»

به گزارش ایرنا، در پی پایان جنگ ۱۲ روزه و بمباران تأسیسات هسته‌ای ایران توسط ایالات متحده، یکی از داغ‌ترین و چالش‌برانگیزترین مباحث در فضای سیاسی و اجتماعی کشور، مسأله بازگشت به میز مذاکره با آمریکاست. این موضوع که تا پیش از جنگ در حاشیه گفتمان رسمی قرار داشت، اکنون به موضوعی سرنوشت‌ساز در معادلات سیاست داخلی و خارجی تبدیل شده است. در حالی‌که برخی تحلیلگران و مقامات پیشین دیپلماتیک بازگشت به گفت‌وگو را راهی اجتناب‌ناپذیر برای کاهش تنش، احیای اقتصاد و جلوگیری از انزوای بیشتر ایران می‌دانند، گروهی دیگر با تأکید بر آنچه خیانت آمریکا به روند دیپلماسی می‌خوانند، مذاکره مجدد را ن‌تنها بی‌فایده بلکه خطرناک و تحقیرآمیز تلقی می‌کنند.

نکته محوری در استدلال منتقدان مذاکره این است که جنگ زمانی آغاز شد که ایران در حال گفت‌وگو با آمریکا و برخی طرف‌های اروپایی برای احیای توافقی جدید پس از برجام بود. آن‌ها می‌پرسند: اگر مذاکره، حتی در میانه روند رسمی، نتواند از حمله نظامی جلوگیری کند، چه تضمینی وجود دارد که تکرار آن نتیجه‌ای متفاوت داشته باشد؟ به‌زعم آنان، حمله به ایران نشان داد که اعتماد به آمریکا خطای راهبردی بوده و هرگونه بازگشت به مذاکره بدون کسب قدرت بازدارندگی جدی، به معنای تکرار اشتباهات گذشته است.

در مقابل، حامیان مذاکره استدلال می‌کنند که ادامه وضعیت تقابل و بی‌اعتمادی تنها به تشدید انزوا، افزایش فشار اقتصادی و افزایش مخاطرات امنیتی منجر خواهد شد. آن‌ها بر این باورند که حمله نظامی به ایران نه‌نتیجه مذاکره، بلکه ناشی از فقدان شفافیت، عدم تضمین‌های بین‌المللی و فضای سوءتفاهم مزمن در روابط تهران-واشنگتن بوده است. به گفته آنان، بازگشت به گفت‌وگو می‌تواند با طراحی ساختاری جدید، همراه با ضمانت‌های چندجانبه و منطقه‌ای، زمینه‌ای برای کاهش تنش و جلوگیری از درگیری‌های آتی فراهم کند.

این نوشتار، با تمرکز بر این پرسش کلیدی که «آیا مذاکره مجدد با آمریکا پس از حمله نظامی ممکن و منطقی است؟»، گفت‌وگو با دو کارشناس سیاست خارجی و دارای دو دیدگاه متفاوت را در اختیار مخاطبان قرار می‌دهد تا ابعاد گوناگون این مناقشه را روشن‌تر ترسیم کند.

با مذاکره تحریم‌ها برداشته نمی‌شوند

فواد ایزدی، استاد دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران، در پاسخ به این سوال گفت: این موضوع بستگی دارد به اینکه هدف شما از مذاکره چیست. اگر هدف از مذاکره این است که بخشی از تحریم‌ها، مثلاً به‌طور موقت تعلیق شود، این اتفاق در دولت ترامپ و با ترکیب فعلی کنگره آمریکا رخ نخواهد داد. تحریم‌های اصلی، به‌ویژه تحریم‌های بانکی، ناشی از مصوبات کنگره هستند. اگر رئیس‌جمهور آمریکا بخواهد این تحریم‌ها را تعلیق کند، نیاز به مجوز کنگره دارد؛ چه این مجوز در متن قانون آمده باشد، چه خارج از آن لازم باشد. این استاد دانشگاه ادامه داد: بر اساس قوانین آمریکا، هرگونه توافق با ایران نیاز به تأیید کنگره دارد. قانونی وجود دارد که رئیس‌جمهور با ملزم می‌کند تا ظرف پنج روز کاری توافق را به کنگره ارائه دهد. پس اگر شما مذاکراتی انجام دهید و به توافق برسید، آن توافق باید در کنگره به رأی گذاشته شود و دهد. پس اگر شما مذاکراتی انجام دهید و به توافق برسید، آن توافق باید در کنگره به رأی گذاشته شود و ممکن است رد شود. بنابراین اگر کسی تصور می‌کند که با مذاکره می‌توان گشایشی در حوزه تحریم‌ها ایجاد کرد، این تصور با واقعیت منطبق نیست. اگر می‌کنید یا نه دلیل وارد مذاکره شود، وقت خود را تلف کرده است.

در ذهن ترامپ، پرونده مذاکره و پرونده حمله، دو موضوع جداگانه هستند

وی با اشاره به اینکه «عده‌ای دیگر ممکن است بگویند ما باید مذاکره کنیم تا از حمله مجدد جلوگیری شود»، گفت: این برداشت هم صحیح نیست. نکته‌ای که پیش از حمله قبلی نیز مطرح می‌کردیم این بود که پرونده مذاکره و پرونده حمله، دو موضوع جداگانه‌اند. متأسفانه در کشور برخی تصور می‌کردند که این دو یکی هستند، چرا که حرف ترامپ را باور کرده بودند؛ ترامپ می‌گفت یا مذاکره می‌کنید یا به سمت حمله می‌کنم. و برخی این تفهید را جدی گرفتند. به همین دلیل هم به ذهنشان خطور کرد که اگر مذاکره کنیم، دیگر حمله‌ای رخ نخواهد داد. ما پیش از حمله، بارها گفته بودیم که حتی در میانه مذاکرات هم ممکن است آمریکا حمله کند. برخلاف بسیاری از افراد، ما این دو پرونده را یکی نمی‌دانستیم. تصمیم برای حمله، به محاسبه هزینه‌های آن برای آمریکاست، نه برای اسرائیل. اگر هزینه حمله‌رای آمریکا سنگین‌تر است که در صورت آغاز رسمی مذاکرات، چند اصل اساسی رعایت شود. شد؛ اما اگر ترامپ احساس کند که این هزینه قابل

بازگشت به میز مذاکره مطلوب است؟

چشم‌انداز دیپلماسی در سایه جنگ

با بالا گرفتن تنش‌های سیاسی و نظامی میان ایران و آمریکا، موضوع بازگشت به میز مذاکره بار دیگر به یکی از مهم‌ترین محورهای بحث در فضای سیاسی کشور تبدیل شده است؛ مسئله‌ای که موافقان، آن را راهی برای کاهش فشارها و مخالفان، تکرار تجربه‌ای پرهزینه و بی‌نتیجه می‌دانند.



اولاً، طرف آمریکایی باید تضمین دهد که در جریان مذاکرات، نه تنها جنگی تحمیل نخواهد شد، بلکه به رژیم صهیونیستی نیز اجازه نخواهد داد تا دست به تجاوز علیه خاک ایران بزند. ثانیاً، باید چارچوب مشخص و روشنی برای مذاکرات تعیین شود.

رورد به مسائل غیرهسته‌ای در مذاکرات فعلی به نفع ایران نیست

این استاد دانشگاه با تأکید بر اینکه در موضوع اخیر تهران به‌روشنی آمده که این کشور حاضر است صرفاً در خصوص موضوع غنی‌سازی هسته‌ای گفت‌وگو کند، ادامه داد: در این حالی است که طرف مقابل، به‌ویژه پس از جنگ اخیر، تلاش دارد چندین موضوع دیگر از جمله مسائل موشکی، منطقه‌ای و حتی موضوع تهدید علیه اسرائیل را وارد مذاکرات کند؛ موضوعاتی که در حال حاضر به هیچ وجه به نفع ایران نیست که وارد آن‌ها شود. به‌طور مشخص، برنامه موشکی ایران قابل مذاکره نیست، طرف مقابل خواهان آن است که برد موشک‌های ایران کاهش یابد و این خواسته در واقع به معنای خلع سلاح دفاعی کشور است. تجربه جنگ اخیر به‌روشنی نشان داد که قدرت موشکی ایران عامل اصلی بازدارندگی و دلیل درخواست آتش‌بس از سوی اسرائیل بود؛ اسرائیلی‌ها به واسطه حمایت نظامی آمریکا وارد جنگ شده بود.

بی‌اعتمادی ایران به آمریکا عمیق‌تر شده است

فرجی راد با طرح این سوال که اگر منظور از «تجدیدنظر» در دکترین دفاعی کشور، حرکت به سمت تولید سلاح هسته‌ای باشد، گفت: این اقدام طرحی پیشنهادی بود که قرار بود در جلسه‌ای در روز یکشنبه (دوره ششم) ارائه شود. حال این پرسش مطرح است: چه تضمینی وجود دارد که اگر مجدداً وارد مذاکره شویم، همان تجربه تلخ تکرار نشود؟ بدیهی است که این وضعیت بی‌اعتمادی عمیقی را ایجاد کرده است. با این وجود، ایران آمادگی مذاکره را دارد؛ اما مشروط بر آن‌که مذاکره در مسیر صلح، آرامش و توافق و نه در جهت تشدید درگیری باشد که این خواسته‌ها کاملاً منطقی است.

وی با اشاره به اینکه از ابتدا نیز محور اصلی اختلاف‌ها مسئله غنی‌سازی بوده و اکنون ایران آمادگی دارد درباره این موضوع گفت‌وگو کند، افزود: شما می‌گویید که ایران غنی‌سازی ۶۰ درصدی دارد؛ ما هم می‌گوییم آمادگی داریم که در این باره شفاف‌سازی کنیم، حتی اجازه بازرسی مجدد بدهیم. چنانچه توافقی حاصل شود، کشورهای دیگر نیز می‌توانند در قالب یک چارچوب نظارتی مشترک حضور داشته باشند. در مجموع، ایران آماده ارائه تعهدات در چارچوب یک توافق منصفانه، متوازن و واقع‌بینانه است.

حمایت کنگره آمریکا از حمله به ایران قابل توجه نیست

این استاد دانشگاه همچنین در پاسخ به

استدلال‌هایی که از عدم توانایی کاخ سفید برای تعلیق یا لغو تحریم‌ها سخن می‌گویند، گفت: هیچ‌گاه در تاریخ ایالات متحده، کنگره‌ای تا این اندازه مطیع رئیس‌جمهور نبوده است. با این حال، همین کنگره فعلی — با وجود آن‌که اکثریت اعضای آن مخالف جمهوری اسلامی ایران هستند — با حمله نظامی به ایران مخالفت کرده‌اند. این مخالفت به معنای دوستی یا همدلی با ایران نیست بلکه برخاسته از نگاه واقع‌گرایانه‌ای است که در میان هر دو حزب، جمهوری‌خواه و دموکرات، نسبت به جنگ‌های طولانی و پرهزینه در افغانستان و عراق را به یاد دارند و نمی‌خواهند آن اشتباهات تکرار شود.

وی ادامه داد: اکنون شرایط به‌گونه‌ای است که بسیاری در کنگره بر این باورند ورود به جنگ با ایران ممکن است به یک درگیری پیچیده و پرهزینه منجر شود که نه‌تنها به سود آمریکا نیست، بلکه تبعات منطقه‌ای و بین‌المللی نامعولمی نیز خواهد داشت. در چنین شرایطی، اگر توافقی میان ایران و دولت ترامپ شکل بگیرد، بسیار محتمل است که ترامپ بتواند تحریم‌ها را لغو کند. در این صورت، بازگشت به میز مذاکره در رابطه با مسائل مختلف، از جمله موضوع هسته‌ای، ضرورت خواهد یافت.

تغییر دکترین هسته‌ای ایران نه صحیح و نه به صلاح کشور است

فرجی راد با طرح این سوال که اگر منظور از «تجدیدنظر» در دکترین دفاعی کشور، حرکت به سمت تولید سلاح هسته‌ای باشد، گفت: این اقدام در صحیح و نه به صلاح کشور است. از نظر فنی، اگر تصمیم بر ساخت سلاح هسته‌ای گرفته شود، ایران می‌تواند ظرف چند ماه درصد غنی‌سازی را به ۹۰ درصد برساند اما این مسیر در راهبرد رسمی جمهوری اسلامی ایران جایی ندارد. سیاست قطعی ما این است که به‌دنبال تولید سلاح هسته‌ای نیستیم، بلکه هدف ما اطمینان‌بخشی به جامعه بین‌المللی، کاهش سطح غنی‌سازی، پایان دادن به جنگ، گسترش همکاری اقتصادی، و ایجاد اعتماد متقابل‌است.

وی در پایان گفت: در همین راستا، ایران آماده است چارچوبی را برای بازرسی و نظارت مجدد تعریف کند تا بازرسان آژانس بتوانند وظایف خود را به‌درستی انجام دهند. همچنین تحریم‌های سازمان ملل — به‌ویژه مکانیسم اسنپ‌ک که احتمال دارد در همراه تمدید شود — نیز باید لغو گردد. هدف نهایی، بازسازی اعتماد است؛ اعتمادی که در هفت تا هشت سال گذشته، به دلایل مختلف آسیب دیده و نباید مجدداً اشتباهات گذشته تکرار شود. جمهوری اسلامی ایران به‌صراحت اعلام می‌کند که به‌دنبال تولید سلاح هسته‌ای نیست و این رویکرد نه از سر ضعف، بلکه از موضعی عقلانی، مسئولانه و راهبردی اتخاذ شده است.

اخبار

اتحاد در سیاست خارجی خلیج فارس؛ کلید ثبات در منطقه



«در سایه تغییرات سریع در منطقه، وحدت سیاست‌های خارجی کشورهای خلیج فارس نه تنها برای محافظت از منافع ملی‌شان، بلکه برای کمک مؤثر به ثبات و بازسازی منطقه پس از سال‌ها درگیری، به یک ضرورت فوری تبدیل شده است.» به گزارش ایسنا، «سلطان السعد القحطانی» تحلیلگر روزنامه سعودی عکاظ در مقاله‌ای نوشت: اولین قدم، تقویت همکاری منطقه‌ای با ایجاد ائتلاف‌های انعطاف‌پذیر با کشورهای همسایه بر اساس پروژه‌های توسعه‌ای و منافع مشترک است. چشم‌انداز منطقه‌ای امروز همچنین نیازمند بازسازی اعتماد با سایر کشورها از طریق گفت‌وگوی سیاسی آرام و مستقیم است. سرمایه‌گذاری‌های فرامرزی کشورهای حوزه خلیج فارس به حمایت از اقتصادهای منطقه و ایجاد فرصت‌های شغلی کمک می‌کند که به کاهش فقر و افراط‌گرایی کمک می‌نماید. ادغام اقتصادی خلیج فارس و خاورمیانه می‌تواند به عنوان بستری برای توافقات تجاری و توسعه زیرساخت‌های منطقه‌ای عمل کند.

این نویسنده افزود: در سطح امنیتی، تغییر به سمت ابتکارات امنیتی جمعی با توجه به تهدیدات فرایند، از درگیری‌های قرقه‌ای گرفته تا ظهور شبه‌نظامیان، به یک ضرورت تبدیل شده است. نقش کشورهای خلیج فارس در اینجا باید فراتر از دفاع از خود باشد و شامل کمک به توسعه چارچوب‌های منطقه‌ای برای مبارزه با تروریسم و ارتقای ثبات باشد. در سطح سیاسی، واقعیت و مستقل فارس نیازمند یک سیاست خارجی متعادل و مشخص است که وابستگی به قدرت‌های بزرگ مانند ایالات متحده یا چین را کاهش دهد و در عوض به روی مشارکت‌های متعدد باز کند. نقش میانجیگری کشورهای خلیج فارس در درگیری‌هایی مانند یمن و سوریه، تصویر آنها را به عنوان نیرویی برای صلح و یک عامل متعادل‌کننده منطقه‌ای تقویت می‌کند.

این نویسنده ادامه داد: اهمیت قدرت نرم به عنوان یک ابزار سیاسی مؤثر را نمی‌توان نادیده گرفت. حمایت از پروژه‌های آموزشی و فرهنگی، همراه با هدایت کمک‌های بشردوستانه به کشورهای آسیب‌دیده، جایگاه کشورهای خلیج فارس را در آگاهی منطقه‌ای و جهانی افزایش می‌دهد. در نهایت، سازگاری با تحولات جهانی مانند گذار به انرژی‌های تجدیدپذیر و سرمایه‌گذاری در هوش مصنوعی، ابزارهای جدیدی را برای ایجاد مشارکت‌های آینده در اختیار خلیج فارس قرار می‌دهد و اقتصاد آن را به منبعی برای نفوذ بلندمدت تبدیل می‌کند. یک موضوع متحد خلیج فارس، هنگامی که با یک چشم‌انداز استراتژیک جامع همراه باشد، کشورهای حوزه خلیج فارس را به یک بازیگر ضروری و معوری در تغییر شکل خاورمیانه به‌عنوان منطقه‌ای با ثبات‌تر و مشارکتی‌تر تبدیل خواهد کرد.

لایپد:

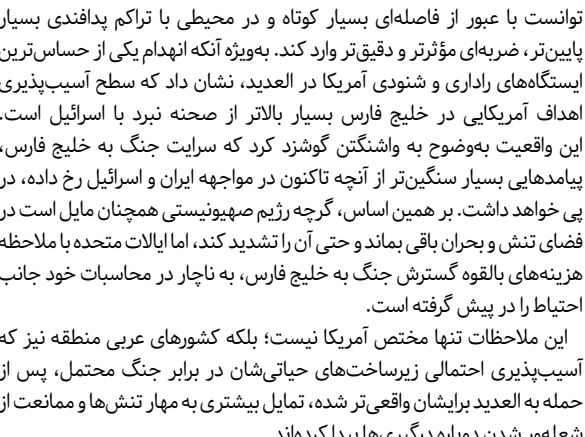
ایجاد «شهر بشر دوستانه» در غزه عملی نخواهد شد

رئیس اپوزیسیون رژیم صهیونیستی با بیان اینکه مردم این رژیم خواهان پایان جنگ غزه هستند، تأکید کرد: ایجاد «شهر بشردوستانه» در غزه یک ایده دیوانه‌وار است و عملی نخواهد شد. به گزارش ایسنا، یائیر لاپید، رئیس اپوزیسیون رژیم صهیونیستی اعلام کرد: ایجاد شهر بشردوستانه در غزه یک ایده دیوانه‌وار است و محقق نخواهد شد.

لاپید همچنین گفت: آقای نخست وزیر، تنها افرادی که به مهندسی وضعیت کنونی می‌پردازند، همان کسانی هستند که در دفتر شما کار می‌کنند، اگر آنها به شما حقیقت را می‌گفتند، یقیناً این را گفته بودند که مردم اسرائیل خواهان پایان این جنگ و بازگشت اسیران هستند. وی افزود: مردم اسرائیل می‌دانند که این جنگ راه به جایی نخواهد برد. مردم اسرائیل درک می‌کنند که ما با این روش حواس را از بین نخواهیم برد، چرا که مردم از واقعیت به دور نیستند. لاپید گفت که مردم با افرادی که از خدمت نظامی ذخیره در غزه باز می‌گردند، دیدار می‌کنند و آنها کاملاً می‌دانند که در غزه چه می‌گذرد و می‌دانند که این روش درست نیست.



اکنون بیش از گذشته مشخص شده که حمله ایران به العدید، نقطه عطفی در بازتعریف موازنه تهدید در منطقه بوده است. تهران با این اقدام راهبردی، معادله‌ای را به طرف مقابل تحمیل کرد که نه بر مبنای درگیری محدود، بلکه بر پایه تهدید منافع حیاتی و بازدارندگی فعال استوار شده است. آینده تحولات، نه در سرزمین‌های اشغالی، بلکه در معادلات شکننده خلیج فارس رقم خواهد خورد؛ جایی که ایران به‌وضوح در موضع ابتکار عمل و برتری نسبی قرار گرفته است.



بنابراین، هرچند احتمال ازسرگیری درگیری به‌طور کامل منتفی نیست، اما معادله شکل‌گرفته پس از حمله به العدید، تصمیم برای آغاز مجدد جنگ را به اقدامی پرهزینه و پرخطرناک بدل کرده است. اسرائیل به تنهایی توان و جرأت ورود به یک ماجراجویی جدید را ندارد و بدون همراهی قاطع آمریکا، هرگونه اقدام نظامی گسترده، به معنای باز کردن جبهه‌ای خواهد بود که می‌تواند توازن قوا در منطقه را به‌شدت علیه منافع غرب تغییر دهد.

اثرات راهبردی بازیگری ایران در خلیج فارس بر مهار رژیم صهیونیستی چیست؟

خلیج فارس؛ نقطه‌شکننده معادله آتش‌بس

پایگاه العدید یک تصمیم صرفاً عملیاتی نبود، بلکه واجد معنا و بار راهبردی ویژه‌ای بود. تهران به‌وضوح نشان داد که در صورت تداوم درگیری، قادر است منافع حیاتی ایالات متحده در قلب منطقه خلیج فارس را مستقیماً در معرض تهدید قرار دهد؛ منطقی‌ای که هرگونه بی‌ثباتی در آن می‌تواند آثار زنجیره‌ای بر امنیت انرژی جهانی و ثبات ژئوپلیتیکی داشته باشد.

اهمیت این اقدام از دو منظر قابل ارزیابی است. نخست، پیام آشکار به آمریکا مبنی بر آنکه جنگ با ایران محدود به مرزهای مستقیم با اسرائیل نخواهد بود و دامنه آن به مناطقی خواهد کشید که منافع حیاتی و زیرساخت‌های راهبردی ایالات متحده در تیررس مستقیم قرار دارند. دوم، برجسته‌سازی قدرت ایران در میدان نبرد خلیج فارس؛ جایی که به دلیل فواصل کوتاه، تراکم اهداف حساس و ضعف نسبی سامانه‌های دفاعی دشمن و همچنین ابتکار عمل و تجهیزات خاص نظامی ایران، توان تهاجمی اش به‌مراتب بالاتر و مؤثرتر بود.

در این چارچوب، تجربه عملیاتی جنگ ۱۲ روزه نشان داد که علی‌رغم حجم و دقت آتش ایران به‌ویژه در عبور از لایه‌های متراکم پدافند منطقه‌ای و سپس لایه‌های پدافند سرزمین‌های اشغالی، موشک‌های ایران برای اصابت به اهداف با چالش‌های متعددی مواجه هستند. به‌عبارت دقیق‌تر، موشک‌های ایران برای رسیدن به اهداف خود در سرزمین‌های اشغالی، باید ابتدا از سامانه‌های هشدار زودهنگام و پدافندهای لایه به‌لایه منطقه عبور می‌کردند و سپس در برابر شبکه چندلایه دفاع هوایی اسرائیل قرار می‌گرفتند.

این در حالی است که در حمله به پایگاه العدید، شرایط کاملاً متفاوت بود. ایران